



معناشناسی ماهیت نگاره‌های معماری سنتی و تأثیر هویتی آن در جهانی شدن شهر یزد

(مورد مطالعاتی: خانه ملک‌زاده)

مریم توفیق ^۱، جلال فروزان فر ^{۲*}

^۱ دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. architect.tofigh@gmail.com
^{۲*} (نویسنده مسئول) استادیار گروه معماری، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران. jalalforouzanfar2034@gmail.com

چکیده

بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی - اسلامی با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود، از هویت شهری بالایی برخوردار هستند. شهر یزد از جمله شهرهای است که از بافت تاریخی و معماری منحصر به فردی برخوردار است. بازشناسی نگاره‌های موجود در معماری آن می‌تواند بخشی از این هویت تاریخی را معرفی کند. در همین راستا، پژوهش حاضر که از نوع تحقیقات کیفی و توصیفی است و در آن از مطالعات اسنادی بهره گرفته شده، با روشی پیمایشی تلاش دارد تا با استناد به دو رویکرد "دید مکانی" (هستی‌شناسی) و "معنای مکان" (پدیدارشناسی) محیط زیسته را در جهانی شدن شهر یزد و خاصه نمونه مورد مطالعه پژوهش، خانه ملک‌زاده مورد کنکاش قرار داده و هر بخش را با عناصر هویت‌سازی که معماری به فرد منتقل می‌کند، تبیین و ارزیابی نماید؛ در حقیقت محقق از میان نیازهای روانشناختی، دو نیاز "ابراز وجود" و "احراز وجود" را مورد تاکید قرار داده و تلاش دارد تا با روش «تئوری برخاسته از زمینه»، به شناسایی معیارهای خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به این نیازها بپردازد. نتیجه حاصل نشان می‌دهد، تأثیری که عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی - اسلامی در غالب خانه‌های سنتی در بافت‌های تاریخی بر جهانی شدن شهر یزد می‌گذارد، در جستجوی هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی در هویت و فرهنگ شهر است.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین و بررسی مؤلفه‌های هویت‌دهنده به معماری سنتی شهر یزد و جستجوی عناصر موثر آن در جهانی شدن این شهر.
۲. ارائه راهکاری برای زدودن بحران‌های ایجاد شده در معماری خانه‌های معاصر شهر یزد.

سؤالات پژوهش:

۱. طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد چه نقشی در ماهیت این شهر و ثبت میراث فرهنگی جهان دارند؟
۲. چگونه می‌توان با استناد به طرحواره‌های معماری سنتی یزد بحران هویتی - فرهنگی ایجاد شده در خانه‌های معاصر این شهر را در ردایی مدرن برطرف نمود؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۹۶ الی ۱۱۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

معماری سنتی،
هویت،
معناشناسی،
خانه ملک‌زاده،
نگاره

ارجاع به این مقاله

توفیق، مریم، فروزان‌فر، جلال. (۱۴۰۱). معناشناسی ماهیت نگاره‌های معماری سنتی و تأثیر هویتی آن در جهانی شدن شهر یزد (مورد مطالعاتی: خانه ملک‌زاده). مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۹۶-۱۱۲.

 dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.45.26.0

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.315509.1803

مقدمه

جامعه‌شناسان و به‌ویژه انسان‌شناسان همواره بر این نکته تاکید می‌کنند که مکان‌ها، مناطق و سرزمین‌ها برای مردم بسیار با اهمیت هستند؛ زیرا از توانایی هویت‌سازی بالایی برخوردار بوده و عناصر و اجزای اصلی هویت را تأمین می‌کند. مطالعات پیرامون عرصه‌ها، پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته همواره برای هویت بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم بوده و نشانه همدلی با شهرسازی و معماری گذشته می‌باشد؛ این در حالی است که در جوامع سنتی برخلاف جوامع مدرن، بحران هویت وجود نداشته و در واقع در این جوامع، فضا کاملاً وابسته به مکان بوده و از این رو با مکان انطباق دارد و با علائم و نشانه‌های مکان پر می‌شود. "گیدنز" در این رابطه به زیبایی عنوان می‌کند که: در چنین جوامعی فضا از مکان جدا نبوده و زمان و فضا در بستر مکان به یکدیگر پیوند می‌خورد (حجازی و افلاطونیان، ۱۳۹۴: ۱۶۹). شهرسازی معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی قرار داشته و این بی‌هویتی در معماری، خود را بیشتر نمایان می‌سازد. لذا هویت و شخصیت شهر زمانی معنا می‌یابد که شاخص‌های خاص شهر نمود یابند. شاخص‌هایی که ریشه در مکان و زمان داشته و با سنت، عقاید، کالبد و به‌طور کلی دانش و فرهنگ جامعه پیوند خورده باشند (مومنی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵). این در حالی است که عناصر و پدیده‌های موجود در فضای پویای ایرانی و کنش متقابل که جز با حضور انسان بروز نمی‌یافت، تنها با استدلال، خردانگاری و پرتوهای نور در زمان حال میسر نبوده و درک صحیح اعتماد به زمینه تاریخی وظیفه وجودی سنت را در سرلوحه کار دارد؛ سنتی که قبل از بودن انسان جاری بود، نمی‌توانست مستقل از فضا عمل نموده و فضایی که متعلق به زمان دیگری است، تفسیر به ذات آن در زمان حال میسر نمی‌شد. چراکه ارتباط فضا و زمان که انسان سازنده هر دوی آن‌ها است با متغیر انسان تغییر می‌یابد و رسیدن به الگوی ساماندهی فضایی در هر دوره زمانی منوط به همان دوره بوده و تعریف آن در پیش یا پس تغییر می‌کند. این در حالی است که در شهری تاریخی مانند یزد درک عناصر و پدیده‌ها و حس وحدت بدون حضور تکنولوژی و تفسیر در تطبیق با سنت باعث جاری شدن معرفت می‌گردد و ایجاد الگوی مناسب، در تلفیق دانش و هنر در دوره پسا ساختارگرایی باعث هویت‌مندی فضاها می‌شود لازمه ایجاد این الگو و تبعیت از آن برای جلوگیری از گنگ بودن گذشته، فضای معنوی ایرانی برای آیندگان است. محقق در این پژوهش با مطالعه رابطه عناصر هویت‌ساز میان انسان و مکان از زاویه تبیین ماهیت طرحواره‌های معماری سنتی، ابتدا به بررسی نسبت و روند شکل‌گیری این رابطه در طی زمان می‌پردازد و سپس چگونگی استفاده از این رابطه در فرآیند جهانی شدن شهر یزد را کنکاش می‌کند. لازم به ذکر است، در اینجا، معناکوی ماهیت طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد در نقش "متغیر مستقل" عمل نموده و به عنوان علت بر سایر متغیرهای موجود اثرگذار است؛ همچنین است تأثیر هویتی آن در جهان شدن این شهر که نقش "متغیر وابسته" را در این پژوهش داراست و در ردای معلول از متغیر مستقل تأثیر مستقیم می‌گیرد. بنابراین پرسش اساسی این تحقیق را می‌توان بر این اساس استوار نمود: چگونه طرحواره‌های معماری سنتی شهر یزد توانستند بر ماهیت این شهر اثر گذاشته و این شهر را به ثبت میراث فرهنگی جهان برسانند؟

به عبارتی دیگر فرضیه مستند در پژوهش پیش‌رو بر این پایه استوار شده است:

به نظر می‌رسد، طرحواره‌های به کار گرفته شده در معماری سنتی و بومی یزد، بر ماهیت این شهر جهت ثبت در میراث فرهنگی جهان تاثیر مستقیم گذاشته‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. پژوهش پیش‌رو بر اساس نوع داده تحقیقی کیفی بوده و به صورت پیمایشی و اسنادی اطلاعات آن گردآوری گردیده است. لذا در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی به بررسی مقوله هویت در شهر یزد پرداخته شده و خانه ملک‌زاده به عنوان نمونه موردی از لحاظ مؤلفه‌های هویتی به‌ویژه هویت کالبدی آن در قالب یکی از بناهای تاریخی در یک شهر قدیمی ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است و بدین‌سان مقوله "هویت" و تأثیر آن در جهانی شدن سیمای یک شهر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. چیستی هویت

مقوله‌ای به نام «هویت» سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد. مفهوم هویت از مباحث سهل و ممتنع در عرصه اجتماعی و سیاسی به‌شمار رفته و برای همگان محسوس و معلوم است و ممتنع؛ زیرا به تعبیر "اریک اریکسون^۱" «هرچه بیشتر به این موضوع پرداخته می‌شود و در این باره مطلب نگاشته می‌شود نامفهوم‌تر و دشوارتر می‌شود». هویت یک فرآیند است نه یک چیز «دریافت شدنی» و شاید بتوان آن را به ردپایی تشبیه نمود که تمدن در طول حرکت در تاریخ از خود به جای می‌گذارد؛ این ردا همان فرهنگ یا هویت آن تمدن می‌باشد. دوم این‌که هویت به سبب فرآیند بودنش نمی‌تواند مصنوع باشد. در واقع هویت یا در مواجهه با آن‌چه که تصور می‌کنیم مشکلات واقعی مان می‌باشد، شکل می‌گیرد. به‌طور مثال اروپایی‌ها پیشگامان انقلاب صنعتی بودند بدون آن‌که نگران هویت خود باشند. این کشورها به دلیل کوشش‌هایشان در این زمینه، ثروت زیادی اندوخته‌اند اما همچنان فرانسوی، انگلیسی یا آلمانی باقی مانده‌اند.

سوم این‌که هویت امری خودآگاه نیست. به‌طور مثال شاید بتوانیم درباره منطق فرانسوی بودن سخن بگوییم اما مردم فرانسه سعی ندارند این منطق را به‌دست آورند بلکه صرفاً تلاش می‌کنند معقول و منطقی باشند. ما با ادراک خود و محیط اطرافمان است که هویت خود را پیدا می‌کنیم. تلاشی برای میان‌بر زدن و کوتاه کردن این فرآیند فهم یا ساختن و جعل هویت، به زیان همه ما خواهد بود. در واقع این کار نوعی فریب، تقلب یا علامت دادن است که البته واکنشی مجعول است. اگر یک معمار پس از گردش دور دنیا به هند بازگردد و در آن‌جا بخواهد ساختمان شیشه‌ای نظیر آن‌چه که در نیویورک دیده بود را بسازد، تنها دست به انتقال علامت‌ها زده است. اما از طرفی، اگر همین فرد اصول معماری را اخذ نموده و آن را بر مجموعه کاملاً متفاوتی از مصالح، اقلیم، آداب و رسوم و سنت‌ها اعمال نماید، ممکن است بنایی معاصر بسازد که سراپا از شیشه نباشد اما با محل مورد نظر، و در نتیجه با هویت، بسیار متناسب می‌باشد. از سویی، شرایط اقلیمی نیز در دو سطح متفاوت به تعیین فرم کمک می‌نماید. هم به‌عنوان یک عامل تعیین کننده مستقیم و بلاواسطه و هم در سطحی عمیق‌تر به شکل‌گیری الگوهای فرهنگی، آداب و مناسک یاری می‌رساند و از آن‌جا که آب‌وهوا در این سطح عمیق‌تر، عامل تعیین کننده مهمی در مورد آداب و مناسک است، خواه‌ناخواه فرم ساخت را نیز

تعیین می‌کند. بنابراین جستجو برای یافتن هویت می‌تواند ما را هم نسبت به محیط و هم نسبت به خودمان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم بسیار حساس‌تر نماید (Correa, ۲۰۰۰ : p. ۱۱۲). می‌توان گفت، هویت امری صلب نیست بلکه در طول زمان با انسان و باورهای وی متولد می‌شود. هویت و تشخیص اگر در خود محبوس شود، نابود می‌گردد. پس باید با انسان متحول شود. بنا به تعریف، هویت دارای مختصاتی است که همانند رشته‌ای ما را به اصل و ریشه‌های ذاتی و گذشته خود وصل می‌نماید، ولی زمانه طبق نیازهای روز، بلورهایی اطراف آن رشته شکل می‌دهد که مشترکات ما با معماری جهانی را شامل می‌گردد (کوهی‌فرد، ۱۳۹۷: ۱۲). پس در تعریفی واحد: هویت پدیده‌ای است که در بستر تاریخی یک جامعه شکل گرفته و با گذر زمان این حس در فرد درونی شده و رفتار را هدایت نموده و نهایتاً جامعه را یکپارچه می‌سازد. این وحدت رفتاری شکل گرفته در سطح جامعه، کالبدی را جستجو می‌کند تا نیازهای فرد و جامعه را برطرف سازد (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰).

بررسی معانی ذکر شده برای این واژه معرف چند ویژگی و مفهوم اصلی تمایز، تشابه، فعل شناسایی و تداوم می‌باشد. ویژگی دیگر این واژه را می‌توان در وجود تقابل‌های دوتایی ذکر نمود که بیانگر وجوه متضاد این مفهوم بوده و از آن جمله می‌توان به "هویت فردی در مقابل هویت جمعی"؛ "هویت انتسابی در برابر هویت اکتسابی" و "هویت درونی در برابر هویت بیرونی" اشاره کرد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷).

۲. ساختار هویت

هویت خواه خودآگاه باشد و خواه ناخودآگاه، علاوه بر بخش کالبدی دارای باطن و محتوایی می‌باشد که در فراگیرترین حالت، در شش رده بر اساس میزان اصالت آن‌ها در کمال ذاتی انسان اعتباری و یا تغییرپذیری آن‌ها تعریف می‌گردد:

(۱) عوامل بیرونی هویت: طبیعت، نژاد، زمان، تاریخ، تمدن

(۲) عوامل درونی هویت: فرهنگ سنت، دین (فیض‌آبادی و شیر رفیع اردکانی، ۱۳۹۴: ۲).

مهم‌ترین ویژگی در تبدیل محیط به هویت، "مکان" بوده و کیفیت محیط، زمانی معنا می‌یابد که هویت و ریشه داشته باشد. "کورپرلا" در این‌باره می‌نویسد: هر مکان کالبدی مصنوع یا طبیعی برای شناخت خود در طول زمان در "محیط یا حس خود فرد" تحقق یافته و تعریف می‌شود (Korpela, ۱۹۹۹: p. ۳۲۱). رابرت ونتوری "عقیده دارد: ماهیت یک خانواده ساختمانی که به یک مکان شکل می‌دهند، از بن‌مایه‌های ویژه‌ای انسجام یافته نظیر پنجره‌ها، درها، بام‌ها و معماری را مانند دیواری میان داخل و خارج می‌داند (۴۳-۴۰). (Ventury, ۲۰۰۱: pp. ۴۰-۴۳). "الکساندر" ماهیت یک مکان را برآمده از اتفاقاتی می‌داند که در آن مکان رخ می‌دهد و علاوه بر آن روح و سرزندگی هر مکان و تجربه‌های ما در آن مکان را نه تنها وابسته به محیط کالبدی دانسته بلکه وابسته به رخدادهایی نیز می‌داند که ما با آن‌ها مواجه می‌شویم (Alexander ۱۹۹۰: p. ۳۳).

۳. معماری به مثابه هویت اجتماعی فرد

این دسته از دیدگاه‌ها که معماری را به‌عنوان بخشی از هویت و شخصیت فرد در نظر می‌گیرند، دارای پایه روان‌شناسی بوده و توسط اغلب نظریه‌پردازان مورد توجه قرار گرفته است. در این دیدگاه، معماری به‌عنوان یکی از عناصر سازنده و حافظ هویت فرد در سطح جامعه به حساب می‌آید که نقشی اساسی در برقراری روابط اجتماعی و آرامش روانی فرد بر عهده خواهد داشت. بنابراین معماری نقشی مشابه نوع خودرو، ظاهر افراد، شیوه لباس پوشیدن و نحوه رفتار آن‌ها در موقعیت‌های مختلف بر عهده داشته و مانند عنصری نمادین یا نقابی بر روی چهره فرد عمل می‌کند. مطابق این دیدگاه، ذهن فرد درون پوست‌های چندلایه از مولفه‌های گوناگون قرار گرفته که هویت و شخصیت او را شکل داده و توسط آن‌ها محافظت می‌شود. این مولفه‌های هویت‌ساز از جسم فرد به‌عنوان نخستین لایه آغاز شده و با پدیده‌هایی چون نوع پوشش، خانه، ماشین، محله، شهر و کشور تکمیل می‌گردد. این نگرش به تعبیری دیگر بیانگر لایه‌های درونی و بیرونی شخصیت فرد و یا عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی او می‌باشد (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۳).

۴. هویت و ارزش‌های تاریخی

هر کالبدی از نظم فیزیکی، نظم بصری، آسایش فیزیکی و تعادل برخوردار است (Bahreini et al, ۲۰۱۲: p. ۷۰). از این‌رو هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصاتی است که جسم شهر را از غیر متمایز و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند (Mirmoghtadaei, ۲۰۱۵: p. ۷۸). هویت کالبدی در هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. در این راستا، وقتی سخن از هویت شهری می‌شود، تمایز بافت تاریخی با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود بهترین نشانه هویت شهری است. بنابراین در هویت‌دادن به شهرها، بافت تاریخی نقش موثری را ایفا می‌کند و در عین حال حیات و رشد این بافت مانع از بی‌هویتی و فرسودگی شهر از درون شده و توسعه بی‌رویه آن را محدود می‌کند. از عناصر قابل توجهی که می‌تواند به شهر هویت بخشد هنر است. هنر، بحث زیبایی‌شناسی در شهر است. معماری شهری نیز با آثار هنری که در آن به‌وجود می‌آید شکل می‌پذیرد. ناحیه تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی به‌جا مانده از گذشتگان ماست که در طول زمان در هویت بخشی به حیات شهری همواره نقش بارزی ایفا نموده است (شریفی‌القلندیس و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵).

جدول ۱: مروری بر ساختار و مولفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری هویت در معماری و شهرسازی ایران

توضیحات	کلیت
	مولفه‌های مؤثر در شکل‌گیری هویت
	– هویت، انسان و باورهای او – هویت و مکان – هویت و زمان
	ساختار هویت
	– عوامل بیرونی – عوامل درونی
	نقش مکان و فضا در شکل‌گیری هویت
	مکان و فضا دو عنصر با اهمیت در شکل‌گیری هویت به‌شمار می‌آیند.
	تأمین انسجام و همبستگی اجتماعی که احساس تعلق به جمع را امکان‌پذیر می‌سازد.

عناصر هویت ساز شهر شامل: "فضا، زمان، مکان و معنا" می‌باشد.	- ایجاد خاطره و تداعی در شخص - تمایز و استقلال از شخص	هویت از دیدگاه معماری و شهرسازی
وجودی و اکتسابی	بعد معنایی	ابعاد و مولفه‌های هویت‌ساز در معماری و شهرسازی
مصنوع و طبیعی	کالبدی	
انسانی و محیطی	محتوایی	
- هویت به انسان قدرت تشخیص و انتخاب در شرایط مختلف را می‌دهد. - هویت شکلی از محیط است که در شرایط مختلف قابل تغییر نیست.	معماری همیشه و در همه حال با زمان همراه و هم‌قدم است و این زمان است که بر اساس ماهیت خود فرهنگ‌ها، سنن و الگوهای رفتاری را دگرگون می‌سازد.	ماهیت اثر یا هویت معماری
	زیبایی؛ دانش؛ اصالت طرح؛ جوهر طرح	مولفه‌های موثر در جلوگیری از بی‌هویتی اثر معماری
اندیشه سازمان یافته همگانی (حکمت نظری)	هویت پایدار	پایداری و ناپایداری هویت در معماری
کردار سازمان یافته همگانی (حکمت عملی)		
سازگاری و هماهنگی میان اندیشه و کردار (نظر و عمل)		
تعاریف روشن نیست. (فقدان حکمت نظری)	هویت ناپایدار	لایه‌های تشکیل هویت در معماری ایران
ارزش‌های گم شده و نامفهوم (فقدان حکمت عملی)		
نیازی به ارتباط میان آن‌ها و ریشه‌یابی نمی‌باشد. (فقدان نظر و عمل)		
	لایه سازه‌ای؛ لایه محیطی؛ لایه کارکردی؛ لایه زیباشناسانه؛ لایه فرهنگی - آیینی؛ لایه نمادپردازی	
- ترکیب کاملاً اروپایی و پیرو مدرنیسم اصیل	از دهه چهل و پنجاه سه شیوه معماری در ایران معاصر رواج یافت	بازتاب هویت در معماری معاصر ایران
- ترکیب نوستالژیک و خاطره برانگیز		
- نگاه انتخاب‌گر و عقلانی به گذشته		

ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹

۵. معنانشناسی هویت در تاریخ معماری شهر یزد

آن‌طور که یونسکو می‌گوید: شهر قدیمی یزد در اصل یکی از قدیمی‌ترین شهرها بر روی کره زمین است. تقریباً همه چیز در بافت قدیم آن از جنس آجرهای خشتی است که در آفتاب خشک شده‌اند و حاصل این معماری منحصر بفرد خط افقی است که در ذیل آن بناهای قهوه‌ای خوشرنگ به انضمام بادگیرهای مرتفع که یکنواختی را بر هم زده و منظر پیش رو را چشم‌نوازتر می‌کنند، دیده می‌شود. در عین حال یزد به‌واسطه بادگیرهایش هم شهرت دارد. بادگیرها



شکل ۱: آتشکده زرتشتیان یزد (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

* اینجا خاستگاه بزرگ‌ترین جامعه زرتشتیان در ایران است. ترکیب یک شهر بیابانی کهن و یک میراث حاصل از همنشینی ادیان مختلف، جو بسیار متفاوت و البته آرامی را به یزد بخشیده است.



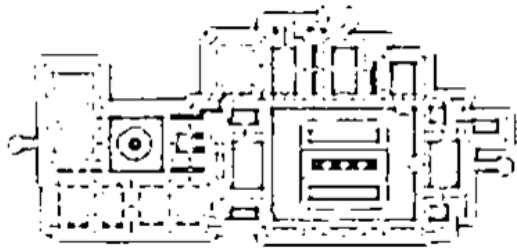
شکل ۲: نمایی از بام‌های زیبای بافت تاریخی شهر یزد، بزرگ‌ترین میراث خشتی جهان (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



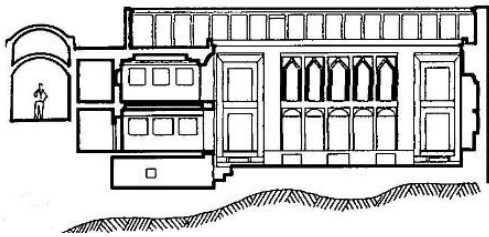
نقشه ۱: پهنه متعلق به بافت تاریخی در شهر یزد که با خط قرمز از شهر متمایز شده (ماخذ: www.Googleearth.com)

عمارت‌هایی مرتفع هستند که برای به دام انداختن باد، سیرکولاسیون و خنک کردن هوا در این منطقه کویری بنا شده‌اند.

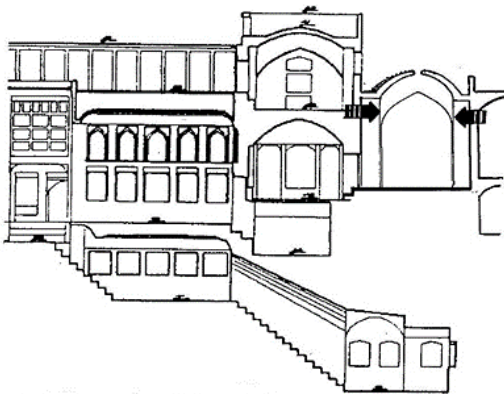
از آنجا که یکی از شیوه‌های بررسی هویت جامعه، توجه به عناصر فضایی و ارتباط آن با فرهنگ آن جامعه است، برای شناسایی هویت جامعه سنتی ایرانی بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی ایران شیوه مناسبی به نظر می‌رسد. شهر تاریخی یزد پس از موافقت کمیته میراث جهانی یونسکو، عنوان بیست و دومین میراث جهانی کشور را به خود اختصاص داد. در این جلسه که در کراکوف لهستان برگزار شد، تایید شد که از مجموع ۲۲۷۰ هکتار حدود ۲۰۰ هکتار بافت قدیمی می‌بایست در فهرست میراث جهانی به ثبت برسد. این شهر هم‌اکنون تنها شهر مسکونی ایران است که توانسته این عنوان را به خود اختصاص دهد. در عین حال نباید فراموش کرد که شهر یزد بزرگ‌ترین شهر خشتی مسکونی در دنیا نیز می‌باشد. در سایت رسمی یونسکو آمده است که این شهر به تصدیق کارشناسان، به خوبی استفاده از منابع محدود برای بقا در قلب کویر را نشان می‌دهد. سیستم فناتی، مساجد، حمام‌ها، بازارها، خانه‌های سنتی، معابد زرتشتیان، باغ‌های قدیمی و بافت سنتی این شهر نمایانگر تنها واقعیت کویر یعنی غلبه بر منابع محدود می‌باشند. پس از ثبت جهانی یزد، "فرهاد نظری" مدیر دفتر بافت‌های تاریخی در گفت و گو با روزنامه ایران، مهم‌ترین نتیجه این ثبت را اثبات ارزش‌های این شهر فراملی دانسته و اذعان می‌دارد: «این ثبت بیان‌گر آن است که یزد تنها متعلق به



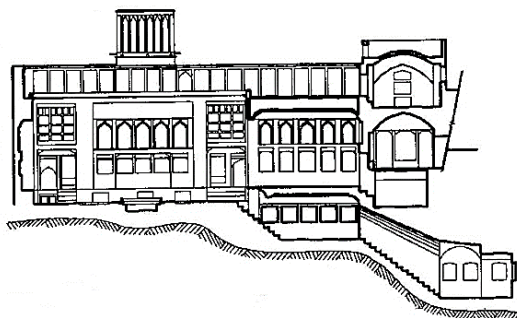
پلان ۱: پلان خانه ملک‌زاده یزد متعلق به دوره قاجار
(ماخذ: سازمان میراث فرهنگی استان یزد، ۱۳۹۹)



پلان ۲: نحوه استقرار بنا روی خاک جلو
(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



پلان ۳: نحوه استقرار بنا روی خاک جلو و ساباط‌ها
(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)



پلان ۴: نقش ساباط در انتقال نیروهای جانبی دو
طرف معبر به یکدیگر (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

یزدی‌ها یا ایرانی‌ها نیست؛ بلکه میراثی است متعلق به نوع بشر.»

در این راستا، این پژوهش خانه ملک زاده را از لحاظ برخورداری از طرحواره‌های معماری سنتی ایرانی مورد ارزیابی قرار داده تا بتواند از این رهگذر علل جهانی شدن شهر یزد را مورد تبیین و کنکاش قرار دهد.

۶. بررسی نمونه مورد مطالعه: خانه ملک زاده در بافت جهانی

یزد و عناصر هویت ساز آن

خانه ملک‌زاده مربوط به دوره قاجار است و در یزد، محله فهادان، نزدیک مسجد چهل محراب واقع شده؛ بانی آن را "حاج محمد صادق عرب" می‌دانند و قدمت آن را حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال تخمین می‌زنند. این اثر در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸ با شماره ثبت ۲۹۵۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

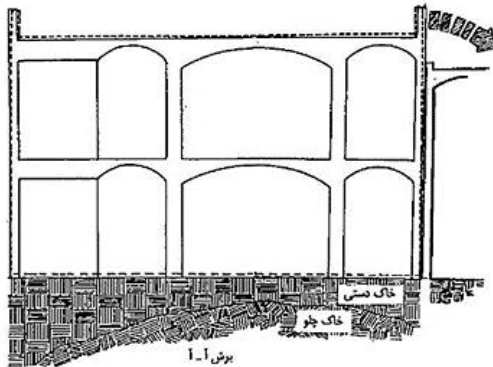
۶.۱. بررسی پلان خانه ملک‌زاده

این خانه مجموعه مفصلی است که در امتداد شمال غربی - جنوب شرقی گسترش یافته و یک ورودی دارد، که در ضلع غربی ساختمان قرار گرفته؛ ورودی از خشت و گل است و پس از عبور از یک هشتی کوچک که سقف آن با گچ کاربندی شده و راهرویی کم عرض، به حیاط می‌رسد. هشتی خانه با قاعده هشت ضلعی ساخته شده و خانه از سمت شمال، جنوب و غرب دارای ساختمان و در ضلع شرقی جهت هماهنگی با سه بدنه دیگر دارای طاق و طاقچه نماهایی می‌باشد. تالار خانه در سمت جنوب، بادگیر نه چندان بلندی را در خود جای داده و در ضلع شمالی خانه یک پنج‌دری با گچ‌کاری و آیینه‌کاری در سقف و بدنه و در ضلع شرقی سه عدد سه دری دیده می‌شود. در طرفین پنج دری ضلع شمالی و نیز در طرفین تالار ضلع جنوبی، بالاخانه‌هایی وجود دارد. در سه طرف ساختمان نیز زیرزمین ساخته شده است. در ضلع جنوبی حیاط اصلی و پشت تالارخانه، یک حیاط کوچک بیرونی یا نارنجستان

قرار گرفته؛ ارتباط حیاط اصلی با حیاط کوچک از طریق راهروهایی است که در طرفین تالار ساخته شده است. نماسازی حیاط اندرونی سیم گل و نماسازی حیاط بیرونی کاهگل است.

۶.۲. نحوه استقرار بنا در بستر خود

بستر طبیعی محل استقرار خانه ملک‌زاده و خانه‌های اطراف دارای شیب‌های ملایم اما متنوع و غیر یکنواخت است. ضمناً علاوه بر لایه خاک معمولی که با ضخامت‌های متفاوت خارجی‌ترین سطح زمین را پوشانده است، لایه بسیار سفت (چلو) نقش موثری در شکل‌گیری نحوه استقرار دارد. با این حال خانه ملک‌زاده و اغلب خانه‌های اطراف رنج‌کندن زمین را تقبل کرده و بدنه و سقف‌ها در بعضی از فضاهای زیرین با استفاده از مقاومت بالای خاک طبیعی به شکل خاک کنده شده به کار رفته است. پستوهای اتاق‌های ضلع غربی و



اتاقک واقع در منتهی‌الیه شمالی همین ضلع [راهرو جنب اتاق آئینه] زیر معبر عمومی استقرار یافته و در جبهه دیگر این خانه که در جوار معبر قرار گرفته است با حضور ساباط وضعیتی متفاوت را مشاهده می‌کنیم. در اینجا ساباط‌ها انتقال‌دهنده نیروهای جانبی موجود در بنای خانه هستند، تقابل این نیروهای مخالف‌الجهت مقدار زیادی از نیروهای افقی را خنثی می‌کند.

پلان ۵: ضعف دیوار همسایه در مقابله با رانش سقف

خانه ملک‌زاده (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

۶.۳. همجواری و ایستایی

یکی از نکات مهم که می‌توان در بحث همجواری و ایستایی به آن اشاره نمود، نحوه انسجام و همکاری دانه‌های متفاوت بافت در تامین ایستایی است. استفاده از مصالحی که در برابر فشار مقاومت می‌کنند - مانند خشت و آجر - سیستم سازه‌ای بناهای موجود را عموماً به طرف سازه‌های گنبدی سوق داده و ضعف چنین سازه‌هایی در برابر تحمل رانش‌های جانبی [به لحاظ فقدان خاصیت کششی مناسب در آنها] مسئله‌ای همیشگی و در خور توجه و معضل آفرین بوده است. تدابیری که معماران و مهندسان از قدیم الایام در جهت رفع نقیصه فوق برای طاق و گنبد اندیشیده‌اند، نتایج و جلوه‌هایی زیبا و هنرمندانه به بار آورده که در جایگاه خود موضوعی جذاب و قابل بررسی بوده است

گویا روح همیاری و یکپارچگی که در بافت اجتماعی روزگاران گذشته در اندام بافت کالبدی جاری است؛ همان‌طور که امروزه بناها سعی در جدا کردن خود از سایرین و بی‌نیاز بودن هر چه بیشتر از بافت اطراف (حداقل از نظر استاتیکی) دارند، خانه ملک‌زاده نیز از این بعد حالت خاصی نسبت به بناهای دیگر نداشته و ضعف نسبی در توجه به موضوع انتقال نیروها از واحد همجوار [خانه محمودی (افشین محمودی)] به چشم می‌خورد. چراکه جبهه شرقی گوشواره اتاق

آئینه که به جداره‌ای از گوشه حیاط خانه محمودی منتهی می‌گردد، مسلماً قادر نیست به شکل مناسبی در برابر نیروهای رانشی که توسط سقف خانه ملک‌زاده اعمال می‌شود، مقاومت نماید.



۶.۴. نگاره‌های به‌کار گرفته شده در خانه ملک‌زاده

در این بخش از پژوهش که در واقع نقطه عطف تحقیق و تبیین در ارتباط با خانه ملک‌زاده

است، محقق تلاش دارد تا عملکرد این مجموعه مسکونی را - به‌عنوان

نمونه‌ای از خانه‌های سنتی واقع در بافت تاریخی شهر یزد - در برابر

مشکلات اقلیمی و مسائل آب و هوایی کنکاش نماید. وی از این مولفه‌ها با

عنوان طرحواره‌های موجود در خانه ملک‌زاده یاد کرده و چون این عناصر

در باز نمودن و روشن کردن ظاهر منطقی چنین خانه‌هایی بسیار با اهمیت جلوه می‌نمایانده، لاجرم تجزیه و تحلیل

نحوه زندگی و کاری که در چنین خانه‌هایی جریان داشته، در کنار چگونگی ارتباط با طبیعت، در رابطه با مولفه‌های

اجتماعی، اقتصادی خانوار در شهرهایی که روابط بسته محله‌ای و خویشاوندی داشته‌اند، به شکلی پیوسته مورد بررسی

قرار خواهد گرفت.

شکل ۳: رون راسته (رون اصفهانی) در راستای جهت شمال شرقی - جنوب غربی خانه ملک‌زاده (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

الف) نگاره اقلیم

رون: رون این خانه "رون راسته" است. این رون در راستای شمال شرقی - جنوب

غربی بوده که نزدیک به راستای قبله می‌باشد. برای در امان بودن از آفتاب داغ تابستان،

به خصوص فرار از بعدازظهرهای گرم کویر، قسمت تابستان نشین و آفتاب کور خانه

پشت به قبله یعنی تقریباً پشت به جنوب غرب ساخته شده که در اصطلاح محلی

"نَسار" می‌نامندش! نَسار سایه می‌گیرد و خنک است. طرف مقابل که رو به قبله است

نیز جهت بهره گرفتن از آفتاب زمستان کاربرد دارد.



شکل ۶: ورودی خانه ملک‌زاده (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

حیاط: به خاطر تنگی و بلندی دیوار اطاق‌ها، چهار طرف حیاط گود است و در ساعات گرم روزهای تابستان سایه

می‌گیرد. از طرفی شب‌ها که هوا خنک است، حیاط گود سردی هوا را گرفته و به اصطلاح هوای سرد در حیاط پایین

می‌نشیند و تا ساعاتی از روز که هنوز آفتاب کاملاً بالا نیامده هوای حیاط خنک است.

سرداب: سرداب در زیر تالار و قسمت تابستان نشین (نسار) قرار دارد. سردی این قسمت آنچنان است که غیر از ساعات گرم بعد از ظهر تابستان، انسان در آن سردش می‌شود.



شکل ۴: حیاط مرکزی خانه
 ملک‌زاده

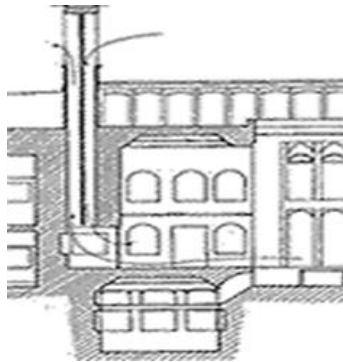
(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

بادگیر: بادگیر این خانه بزرگ نیست و مستطیل شکل بوده و در پشت تالار قرار گرفته است. روش کار این بادگیر بر این پایه استوار است که از وزش باد برای کشاندن هوای خوش به درون تالار و از واکنش نیروی آن یعنی مکش، برای راندن هوای گرم و آلوده بهره می‌برد.

خرک‌پوش: بالای درگاه‌های خانه ملک‌زاده با خرک‌پوش پوشیده شده است. خرک‌پوش همچون یک تاقچه کوچک با دو پوشش اریب (مانند پشت خر) عمل می‌کند و با گچبری‌های زیبا آذین شده می‌شود. ۳

(ب) نگاره حریم

ورودی: خانه ملک‌زاده در بافت شهری پیوسته، متراکم و درونگرا یزد، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی بوده که اصل محرمانیت در طراحی و احداث آن رعایت شده تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم محفوظ باشند. چنانچه از همان در ورودی با گذاشتن کوبه چکش، مخصوص مرد با صدای بم و کوبه حلقه، مخصوص زن با صدای زیر حریم‌ها مشخص می‌شود که خود این جنسیت زدایی در معماری نوعی حجاب گذاری یا فاصله گذاری محسوب می‌شود.



پلان ۶: حیاط مرکزی خانه ملک‌زاده
 (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

هشتی: فضای ورودی این خانه به تبعیت از اهداف مذهبی و اجتماعی به صورتی طراحی شده که افراد به صورت ناگهانی و یک مرتبه وارد فضای خانه نشوند و سلسله مراتبی بوده؛ همچنین از فضای ورودی - از درگاه یا هشتی ورودی - به فضاهای داخلی خانه دید مستقیم وجود نداشته باشد. بلکه با ایجاد مکثی روانی، هر که از خانه بیرون می‌شد را آماده ورود به عرصه جامعه می‌کرد

و آنکه وارد می‌شد را آماده ورود به عرصه خانه. تا گواه و شاهدهی باشد بر دو فضای متفاوت بیرون و اندرون و اینکه این دو فضای متفاوت رفتار و منشی متفاوت را طلب می‌کند.

شکل ۵: خرک‌پوش‌های خانه
 ملک‌زاده

(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)





شکل ۸: طرحواره عقد و ازدواج در خانه ملک‌زاده (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

طراحی شده که افراد به صورت ناگهانی و یک مرتبه وارد فضای خانه نشوند و سلسله مراتبی بوده و همچنین از فضای ورودی - از درگاه یا هشتی ورودی - به فضاهای داخلی خانه دید مستقیم وجود نداشته باشد. بلکه با ایجاد مکثی روانی، هر که از خانه بیرون می‌شد را آماده ورود به عرصه جامعه می‌کرد و آنکه وارد می‌شد را آماده ورود به عرصه خانه. تا گواه و شاهدی باشد بر دو فضای متفاوت بیرون و اندرون و اینکه این دو فضای متفاوت رفتار و منشی متفاوت را طلب می‌کند.

ج) نگاره بهشت



شکل ۷: طرحواره مراسم مذهبی در خانه ملک‌زاده (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

حیاط مرکزی: حیاط مرکزی، جهان صغیری مرکب از مکان است که با شش محور تعریف می‌شود (جهت اربعه + بال + پایین) و یک زمان نگار که تغییرات سماوی را نشان می‌دهد. حیاط مرکزی در ارتباط با بهره‌گیری محیطی، چهار صغه در جهات اربعه در اطراف خود پدید می‌آورد که صغه شمالی یا زمستانی جایگاه خورشید و صغه جنوبی یا تابستانی جایگاه سایه است. حیاط مرکزی با اتکا به امکانات محدود، ساده و ارزان در بستر خود به وجود می‌آید و در این راه از فنون پیچیده ساخت، و حمل و نقل مصالح سنگین استفاده نمی‌شود.

د) نگاره همزیستی فامیلی



شکل ۹: میانسرا خانه ملک‌زاده (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

سیستم پدرسالاری: در خانه‌هایی همچون خانه ملک‌زاده زندگی به صورت فامیلی و سیستم پدرسالاری حاکم بود؛ در خانه‌های پدرسالاری همه کسان و خویشان نزدیک در یک خانه زندگی می‌کردند. پدر، مادر، فرزندان، پدربزرگ، مادربزرگ، نوه‌ها، عروس‌ها همه در کنار هم بودند، دلیلی نداشتند که به جایی دیگر بروند. همه آن‌ها از یک آشپزخانه استفاده می‌کردند. اتاق نشیمنشان یکی بود. در هر بخش از خانه یک خانواده کوچک زندگی می‌کردند. یعنی مثل یک مجموعه آپارتمانی امروزی بوده و یک خانواده تنها اصلا نمی‌توانسته در آن آسوده زندگی کند.

ارتباط با جامعه: در خانه ملک‌زاده فضاهای اندرونی و بیرونی، وجود دارد که دارای این عملکرد بوده و فضاهای بیرونی در واقع حلقه اتصال خانه به جامعه محسوب می‌شود.

و) نگاره مراسم

مراسم مذهبی: پانزده روز اول محرم در حیاط اصلی این خانه پوش بر پا می‌کردند و مراسم روضه خوانی در آن انجام می‌شده است. وجود دستکهای کنار حیاط برای اتصال پوش مطلب فوق را تایید می‌کند. روز عید غدیر و پنج روز از

محرم را غذا می دادند. در دو سوی تالار در اشکوب یا طبقه بالا دو گوشوار می بینیم که این اتاقها در روزهایی که مراسم بر پا بود زنان و دختران از این اتاقها مراسم را دنبال می کردند.

عقد و ازدواج: آئینه کاری و نقاشی اتاق پنج دری به مناسبت ازدواج پدربزرگ خانم ملک زاده در مدت ۹ ماه انجام شده است.

مهمانی‌ها: اختصاص یک فضا برای مهمان یکی از پاسخها به این رفتار بوده است. مثلاً شکل گیری حیاط بیرونی خانه ملک زاده به این ابعاد و زیبایی و قرار گیری مطبخ در جایی که بیشترین سرویس دهی را به مهمانان بدهد، موید این امر است.

ه) نگاره ارتباط با طبیعت

میانسرا یا حیاط: وجود حوض آب در حیاط و پوشش گیاهی، باغچه و درخت انار و انجیر، به نحوی مطلوب به کمک جریان هوای بادگیر در اثر تبخیر، رطوبت هوا را در داخل خانه بالا می برد و بر شرایط راحتی می افزاید. بیشتر اتاقها به میانسرا باز می شود. آب باعث انعکاس تصویر بنا می شود، این نوعی قرینه سازی از واقعیت در مجاز است. حضور آب باعث تاکید بیش تر بر لطافت فضای حیاط و شفافیت می شود و حیاط را در مرتبه ای بالاتر از مفهوم فضای باز قرار می دهد.

ر) نگاره فعالیت‌های روزمره

اندرونی: اهالی خانه ملک زاده از هر بابت آسوده بوده اند. آن‌ها در اندرونی همه چیز را آماده می کردند و این بخش را بسیار دلنواز و خوشایند می ساختند تا در آن خستگی حس نکنند.

مطبخ: درباره جای مطبخ ۴ خانه ملک زاده گفته شده که در تابستان‌ها از آشپزخانه کمتر استفاده می شده و در سراسر



شکل ۱۰: میانسرا خانه ملک زاده
(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

روز کمتر خوراک پختنی می خوردند؛ اما در زمستان آشپزخانه بیشتر کاربرد داشت. در این خانه مطبخ در کنار بروار یا راهرو مابین حیاط اندرونی و بیرونی قرار دارد. البته چند دلیل برای قرارگیری مطبخ در این قسمت می توان مطرح کرد - محدودیت زمین در قسمت شمال و شمال غربی - چنانچه گفته شد خانه ملک زاده خانه تاجر بوده و پر مهمان، شاید به همین دلیل آشپزخانه یا مطبخ در قسمت دسترس تر قرار گرفته است. معمولاً آشپزخانه یا مطبخ پنجره

به بیرون نداشت و از آسمانه (سقف) نور می گرفت که این سوراخ یا نورگیر هورنو نامیده می شد. در گوشه ایی از مطبخ

تنور برای پخت نان بوده است. البته به دلیل مراسمهای مذهبی در خانه ملک زاده جاهایی مخصوص برای دیگ‌های بزرگ وجود دارد.

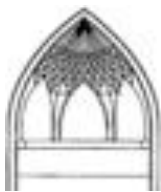
اتاق‌ها: برای رسیدن به اتاق‌ها باید از میانسرا، راهروهای کنار اتاقها را طی کرد تا به اتاق‌ها رسید؛ در پس اتاق‌های سه دری و پنج دری این بنا، اتاق‌های بی‌روزن یا پستو قرار دارد. همه اتاق‌ها دارای تاقچه در بلندی که دست می‌رسیده و رف، در بلندی که تنها دست بزرگترها می‌رسیده بودند. رف به بالا تاقچه، یا تاقچه‌های بلند می‌گفتند.



شکل ۱۲: اتاق پنج‌دری خانه ملک‌زاده
(ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

ز) نگاره آسمان

هندسه: منحنی قوس‌ها، طاق‌ها، سقف‌های اتاق‌ها، رفاها و ... و خواص هندسی آن‌ها پیام‌هایی همچون صعود به بالا یا عروج، طبقات آسمانی و گنبد آسمانی را می‌تواند به همراه داشته باشد.



وحدت: تصویر آسمان در طاق‌های این بنای اسلامی، مضمون اساسی اسلام را که همانا وحدت است و همواره در همه جای آن دیده می‌شود بازگو می‌کنند. نقوش هندسی دو بعدی و اجسام حجم‌گونه مانند کاربرندی برای تداعی وحدت بکار رفته است.



روشنایی: تمامی خطوط و نقوش به یک نقطه ختم می‌شود و آن مرکز طاق و جایی که نور می‌تابد است.

شکل ۱۱: رعایت طرحواره آسمان در خانه

ملک‌زاده (ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

هویت و ساماندهی بصری در نگاره خانه‌های بومی و سنتی یزد از ویژگی‌های بارز معماری ایران به حساب می‌آید که ریشه‌هایی عمیق در مبانی و اصول فرهنگی - اجتماعی این سرزمین برجای گذاشته و به عنوان یک اصل در معماری ایرانی پذیرفته شده است. برخی از تحلیل‌گران معماری ایرانی بر این باورند که شکل‌گیری این طرح‌واره‌ها در معماری صرفاً به دلایل اقلیمی خاص منطقه بوده است. اما اگر نیک بنگریم در می‌بایم که توجه به مسائل درونی و باطنی درونگرایی بر اساس فرهنگ، سبک زندگی، آداب و رسوم و جهان‌بینی خاصی که ایرانیان بر آن پایبند بوده‌اند، شکل گرفته و البته همراه با مسائل محیطی و جغرافیایی به تکامل رسیده است. به هر حال ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت نهادن به آن، خانه‌های ایرانی را در گذشته به دانه‌هایی درون‌گرا مبدل ساخته و حیات مرکزی را به عنصری

شاخص و نقطه عطف در معماری این خانه‌ها تبدیل نموده و در واقع این عناصر، درونگرایی را به معنا و مفهومی پایدار در معماری ایرانی مبدل ساخته‌اند. اما آنچه در این تحقیق مهم می‌نمایند، با وجود آن که معماری بومی‌ساز در طی هزاران سال در سرتاسر این مرز و بوم وجود داشته و شکل گرفته، معماران سنتی ما با خلق نگاره‌های گوناگون، وجه مشترکی با هم داشته‌اند و این وجه مشترک پیامی مشترک را برای همه به یکسان به همراه داشته است و آن نقش کلیدی "هویت معماری ایران" است که برای باززنده‌سازی مجدد فرهنگ معماری کشور نقش مهمی را ایفا خواهد نمود.

منابع

کتابها

کوهی فرد، الناز. (۱۳۹۷). هویت در معماری ایرانی. تهران: نگاه بوستان.

لنگ، ج. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه: علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مقالات

آقاداودی، محی‌الدین؛ زکریایی کرمانی، ایمان. (۱۳۹۶). «تحلیل مضامین و کارکردهای کتیبه‌های مدارس عصر صفویه اصفهان نمونه موردی: مسجد- مدرسه چهارباغ»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۶.

احمدی، غلامعلی؛ شمشیری، محمدرضا و رحمانی، جهانبخش. (۱۳۹۸). «فاعلیت خدا در نظام هستی از نگاه علامه

طباطبایی و انعکاس آن در کتیبه‌های بناهای اسلامی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۶.

بطیار، محبوبه؛ حسنی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «خاستگاه شناختی، طبقه‌بندی و تحلیل نقش‌های شیرسر بناهای قاجاری

گران»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۳.

سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). «بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. هویت

شهر، شماره ۲۵، صص ۲۶ - ۱۵.

شریفی‌القلندیس، ب و دیگران. (۱۳۹۶). "اهمیت نگهداری و احیاء بافت‌های تاریخی و تاثیر آن در گردشگری و

توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: شهر خامنه). پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۳ (پیاپی ۵)، صص ۴۰ - ۲۳.

فیض‌آبادی، محمود؛ شیر رفیع اردکانی، مریم. (۱۳۹۴). «بیان هویت در معماری معاصر ایران با تاکید بر سازه‌گرایی».

مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران.

موحد، علی؛ شماعتی، علی و زنگانه، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی:

شهر ری)». برنامه‌ریزی منطقه‌ای (علمی - پژوهشی)، شماره ۵، صص ۵۱ - ۳۷.

منابع لاتین

Alexander, C. (۱۹۹۰). The Timeless Way of Building. Oxford University Press, New York.

Anju Shirazi, A. (۱۹۷۰). Ferdowsi Nameh (People and Ferdowsi), Volumes ۱ and ۲, Second Edition, Tehran: Scientific Publications.

- André-Salvini, B. (۲۰۰۵). *Forgotten empire: the world of ancient Persia*. University of California Press.
- Akhundi, Z., Afhami, R., & Pourmand, H. A. (۲۰۱۶). Comparative study of symbols and decorative motifs of Persepolis and Arboni Fortress, *Research in Arts and Humanities*, No. ۱۱, pp. ۷۵ – ۸.
- Bonaiuto, M., & Fornara, Ferdinando, B. (۲۰۰۶). Perceived Residential Environment Quality In middle - And low - Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée*, ۵۶ / *European Review of Applied Psychology*, ۵۶. ۲۳-۳۴.
- Christian, A. (۲۰۱۴). *Examples of the first man and the first prince in the history of Iranian mythology*, translated by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazli, Tehran: Cheshmeh Publications.
- Dadgi, F. (۱۹۹۰). *Bandehshan*, translated by Mehrdadbahar, Tehran: Toos.
- Eliadeh, M. (۱۹۹۷). *Treatise on the History of Religions*, translated by Jalal Sattari, second edition, Tehran: Soroush.
- Hale, Jonatan A. (۲۰۰۰). *Building Ideas: An Introduction to Architectural Theory*. John Wiley & Sons, Chichester, England.
- Hauge, A. (۲۰۰۷). Identity and place: a critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*. ۵۰ (۱): ۴۴-۵۱.
- Rose, J. (۲۰۱۹). Near Eastern and Old Iranian myths. In *Oxford Research Encyclopedia of Classics*.
- Silko, L. M. (۲۰۰۶). *Ceremony*. Penguin. Originally published: New York, ۲۱۱ pp.
- Tavangarzamin, M. K. (۲۰۱۱). *Persepolis from the beginning to the end*, fourth edition, Shiraz: Persepolis.
- Tha'labi Neyshabouri, A., & bin M. ibn I. (۱۹۷۰). *History of Tha'labi (Gharr Akhbar Moluk Al-Fars and Sirham)*, Part ۱: Ancient Iran, translated by Mohammad Fazaili, Tehran: Qatreh Publishing.
- Venturi, R. (۲۰۰۱). *Complexity and Contradiction in Architecture*. New York.